

امکانات جدید عملی برای فلسطین



۶۵ سال بعد از تصویب قطعنامه شماره ۱۸۱ مؤرخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ مبنی بر تجرید فلسطین، اینک فلسطین دوباره به صفت دولت در ملل متحد بازگشت میکند، با آنکه هنوز عضویت کامل ندارد. زیرا ایالات متحده آمریکا هنگام ارائه نخستین درخواست [یکسال پیش] برای عضویت کامل این کشور تهدید به ویتو نموده بود، اما در مورد دولتی بدون عضویت در اسامبله عمومی ملل متحد که حق تصمیم گیری را دارد حرفی در میان نبود. این موقف ناظر مترادف است با موقف دولت واتیکان.

نتیجه رایگیری در اسامبله عمومی ملل متحد وضاحت کامل داشت : ۱۳۸ رأی موافق.

۴۱ کشور زیر رأی مستنکف داده و بدینوسیله نمایان ساختند که آنها سازگاری با مسایل سیاسی ندارند: البانیه، اندورا، آستریا، باهاماس، باربادوس، بوسنیا-ارزیگوینا، بلغاریه، آلمان، استونیا، فیچی، بریتانیای کبیر، گواتیمالا، هاییتی، کامرون، کولمبیا، کانگو، خروات، لیتوانیا، لتویا، ملاوی، مقدونیه، ملداویا، موناکو، منگولیا، مونتینیگرو، هالند، پاپوانیوگینی، پاراگوای، پولند، رواندا، رومانیه، سمووا، سان مارینو، سنگاپور، سلواک، سلوانیا، کوریای جنوبی، توگو، تونگا، هنگری و وانواتو.

۹ کشور رأی مخالف دادند : اسرائیل، کانادا، پالاو، پانامه، ناروی، میکرونیزیا، جزائرمارشال، جمهوری چک و ایالات متحده آمریکا. پنج کشور دیگر اصلاً در انتخابات شرکت نکردند.

رایدهی در اسامبله عمومی ملل متحد نشان داد که تا کدام حدی ایالات متحده آمریکا و اسرائیل در میان کشورهای عضو سازمان ملل متحد در تجرید قرار دارند. این امر کمتر مورد تعجب است. آیا ایالات متحده آمریکا همیشه چنین رأیی خواهند داد که اسرائیل خواهان آنست. رأی مخالف حکومت شدیداً محافظه کار کانادا تعجب برانگیز نیست - به همان پیمانانه درخور اهمیت نیست که آرای کشورهای قدرتهای بزرگ بحیره جنوب و یا جمهوری محافظه

کار چک اهمیت ندارند. برخورد کشور های اتحادیه اروپا درین رایگیری برای هر مشاهدی روشن ساخت که این اتحاد کشورها در جایگاه بازیگران همپیمان در عرصه مناسبات بین المللی عرض وجود کرده نمیتوانند.

رایگیری گذشته ازین نیز واضح ساخت که کسانی در جبهه مخالف قرار دارند و همیشه وانمود میسازند که خواهان صلح هستند، عبارتند از: اسرائیل و ایالات متحده آمریکا. کسیکه کتاب « گوشمالی اسرائیلی » را میشناسد میداند که این عربها نیستند که باری هم نه تنها به گفته اباییان وزیر امور خارجه آن زمان اسرائیل [هیچ وقتی نباید فرصتی را ازدست داد تا از فرصت خوب استفاده کرد] که خیلی گویا ولی گمراه کننده فورمولبندی نموده بود، بلکه حکومت های مختلفه اسرائیلی که همنا با نظر فوق بودند هیچگاهی علاقمندی به کنار آمدن صلح آمیز با فلسطینیها نداشتند. در صفحه ۱۱ این کتاب نویسنده ها اشاره میکنند « موقف ما اینست که اسرائیل اصلاً هیچگاهی علاقمند نبوده است تا مناسبات صلح آمیز با همسایه هایش داشته باشد ولی صرف در صورتی حاضر به آنست که صلح پاسخگوی خواسته های خودی اش باشد».

با بی احترامی کامل به ملل متحد نخست وزیر اسرائیل اعلام داشت که فیصله ملل متحد «بدون اهمیت» میباشد: «این یک قطعنامه عاری از اهمیت است که هیچ چیزی را از بنیاد تغییر نمیدهد. هیچ تغییر وضع در فلسطین بدون در نظر داشت تأمین امنیت اتباع اسرائیل بوقوع نخواهد پیوست». موصوف چنین ادامه میدهد: «راه رسیدن به صلح میان بیت المقدس و رام الله از طریق اقدامات مستقیم و بدون پیش شرطها ممکن است و نه بوسیله تصمیم یکجانبه ملل متحد». نیتنیا هو فراموش کرده است تا اضافه نماید که این حکومت های اسرائیل بودند که بوسیله اعمال «تصمیم یکجانبه» و تداوم سیاست توسعه طلبانه استعماری از سال ۱۹۶۷ بدینسو وهمچنان باتخطی جدی از «میثاق اعلامیه ها» مصوب سال ۱۹۹۳ که در آن تأکید گردیده است که برای هیچ طرفی مجاز نیست تا وضع موجود را یکجانبه تغییر دهد و به مسائل دامن زند.

نیتنیا هو در همه حال با اظهاراتش هنوز در میانه سیاستمدار های معتدل قرار میگیرد. وزیر داخله اسرائیل هلی یشای پیش از حمله بر نوار غزه اعلام داشت که فلسطینیها را باید بوسیله بمباردمان به قرون وسطی سوق دهیم که فقط درین صورت اسرائیل برای ۴۰ سال دیگر آرامش خود را خواهد داشت. و یا اینکه پسر آریل شارون نخست وزیر اسبق اسرائیل مطالبه کرده بود تا نوار غزه را به خاک یکسان سازند. و یا وزیر امور ترانسپورت اسرائیل کاتس که اظهار کرد: «هیچ بیگناهی در غزه وجود ندارد، همه را به قتل برسانید». این شیوه رادیکالیزم بوسیله همه پرسنها در میان مردم اسرائیل تحکیم میگردد. رأی واقعبینانه به ندرت دریافت میشود.

درین میان میتوان از سفیراسبق اسرائیل در آلمان آوی پریمور یاد آور شد که در یکی از میزهای گرد تلویزیونی مذاکرات با حماس را مطالبه کرد.

همانطوریکه سفیر اسبق فلسطین در آلمان عبدالله فرانجی فورمولبندی میکند، در پروسه های نامنهاد صلح فلسطینیها «نخبه گان فلسطین» از جانب حکومت های مختلفه اسرائیلی در واقعیت امر از نظرسیاسی فریب داده شدند و یا اینکه آنان از نظر سیاسی در چنان موقف نازلی قرار داشتند که تصور میکردند اسرائیل میخواهد برای شان دولتی را اعطاء کند. هیچگاهی حتی یکی از سیاستمداران اسرائیلی در جریان «پروسه صلح» از کدام «دولتی» برای فلسطینیها صحبت نکرده است. یوسی سرید یکی از نماینده های پیشین میریتس (میریتس در پارلمان اسرائیل به جناح چپ حزب سوسیال دموکرات اسرائیل اطلاق میگردد. م) این مطلب را خیلیها مشخص تر فورمولبندی میکند: « هرگاهی فلسطینیها این تشکل «دولت» را نامگذاری میکنند، میتوانند به آن اقدام کنند!»

قابل یاد آوری است که یکی از دوستان حزبی پیشین نیتنیاهاو و نخست وزیر اسرائیل اسحاق شمیر بعد از عدم پیروزی در برابر اسحاق رابین در سال ۱۹۹۲ گفت که اسرائیلیها میتوانستند ده سال دیگر با فلسطینیها در واشنگتن مذاکره کنند بدون آنکه به نتیجه یی برسند. این پیشگویی نه تنها به واقعیت مبدل شد بلکه مذاکرات بیشتر از ده سال دیگر نیز ادامه یافت! هرگاهی اکنون از جانب حکومت اسرائیل و یا سردمداران شان درغرب باز هم «پروسه صلح» به لایتناهی کشانیده میشود و همیشه مطالبه «مطالبه مذاکرات صلح» صورت میپذیرد، ممکن طی چندین سال بعد فقط فلسطینی را سراغ کرده بتوانیم که شاهد موجودیت محله های نزدیک به فقیر نشین، همچون نوار غزه باشند.

بعد از حمله اخیر اردوی اسرائیل بالای نوار غزه بی اهمیت بودن سیاسی «رئیس» محمود عباس برای همه وضاحت یافت. موصوف باید فرصت را غنیمت شمرده و از محبوبیت بدست آمده اش در برابر سازمان ملل متحد بهره برداری کند. از آنجایی که وی فاقد هرگونه مشروعیت سیاسی است- دوره ریاست اش در سال ۲۰۰۹ به پایان رسیده است- نباید دوباره به مذاکرات بی ثمر «صلح» مصروف گردد. طوریکه «رسانه های فلسطینی» مدعی هستند حکومت اسرائیل خواهان چیزی اندکی غیر از تسلیمی بلا قید و شرط فلسطینیها در برابر اسرائیل نیستند. صائب حرکت زمانی این مطلب را اینطور بیان کرده بود: « یگانه کاری که توان انجام آنرا داشته باشم (تا به قناعت اسرائیل بپردازم) همانا گذار من به صهیونیزم است». همتای مذاکراتش در آنزمان از جانب اسرائیل کدام شخص گمنامی غیر از زیوی لیونی معروف به «کبوتر صلح» نبود. گذشته ازین اندوخته های تاریخی و سیاسی بیشتر از یکصد سال فلسطینیها با صهیونیزم می آموزد که با این ایدئولوژی به گمان اغلب نمیتواند هیچ سازشی مطمع نظر باشد.

به ادامه این پیروزی دیپلماتیک بایست «نخبه گان فلسطینی» تدابیری را روی دست گیرند، طوریکه فرانسس بایل پروفیسور حقوق بین الدول در یونیورسیتی ایلونای... آنرا فورمولبندی نموده است:

۱- فلسطین میتواند عضویت دادگاه بین المللی جنایات (آی سی سی) را بدست آورد و به این دادگاه در برابر غاصبان و ایجادشهرک های غیر قانونی که جنایت جنگی محسوب میگردد، اقامه دعوا کند.

۲- فلسطین میتواند عضویت دادگاه بین المللی (آی جی اچ) را حاصل نماید و اسرائیل را به این دادگاه جهانی کشانیده و محاصره غیر قانونی غزه را بشکند.

۳- فلسطین میتواند عضویت کنوانسیون بین المللی دریانوردی را بدست آورد و بدین ترتیب سهم عادلانه یی در مزارع بزرگ گاز طبیعی سواحل غزه را نصیب گردد که درهرحال به استقلالیت اقتصادی اش بدون تأثیر نخواهد بود.

۴- فلسطین میتواند ازجمله متعاهدین چهار کنوانسیون ژنیو (همان کنوانسیون هایی که با جنگ رابطه دارند) باشد.

۵- فلسطین میتواند عضویت سازمان بین المللی هوانوردی ملکی را بدست آورد و بدین ترتیب حاکمیت و کنترل قانونی را بر حریم فضایی خودش بدست گیرد.

۶- فلسطین میتواند عضویت اتحادیه بین المللی تیلی کمونیکیشن را بدست آورد و بدین ترتیب کنترل قانونی بالای فریگونس های رادیویی، ساحه پخش و ارتباطات تلفونی خود را سازماندهی کند.

چنین انتفاضه ایکه جنبه قانونی داشته باشد میتواند منتج به آن گردد تا همه جهانیان بدانند که تا کدام حدودی از ۴۵ سال بدینسو سیاست اشغالی اسرائیل مغایر حقوق بین الدول بوده و غیرانسانی است. حتی ممکن است «نخبه گان فلسطینی» بتوانند اکنون همان سیاستمدارانی را به پنجه قانون بسپارند که در قتل عام مردم ملکی غزه حوالی تحویل سال ۲۰۰۸ به ۲۰۰۹ مسوولیت داشتند (۱/۴۰۰ کشته فلسطینی از جمله بیشتر از دو سوم آن زنان و کودکان به شمول تخریب وحشیانه تأسیسات ملکی). گزارش گولدستون و گزارش های سائر سازمان های حقوق بشر چون دیده بان حقوق بشر و سازمان عفو بین المللی اساس مستحکمی را برای این قضایا وسیله میشوند.

هرگاهی عدم قابلیت سیاسی «نخبه گان فلسطین» را طی آخرین تعامل جنگی اسرائیل علیه حماس در نوار غزه در نظر گیریم، میتوانیم بگوییم که اکنون از سرگرفتن مذاکرات صلح میان اسرائیل و محمود عباس دال برآنست که کلمه صحبت کردن عدم عقلانیت سیاسی و از یاد

بردن مناسبات تاریخی را گواهی میدهد. اسرائیلی های دارای دید وسیع از مدتها بدینسو مطالبه میدارند تا با نیروهای واقعی در فلسطین به مذاکرات آغاز کرد.

متن: لودویک وادسال